

تکمله‌های ادعایی نهج البلاغه*

نقیسه دست‌پروری** و سید محمدکاظم طباطبایی***

۵۱



سال دوازدهم / شماره ۳ / پاییز و زمستان ۱۴۰۰

چکیده

بخشی از کتاب‌های نگاشته شده پیرامون نهج‌البلاغه، تکمله‌ها و مستدرکاتی است که به توسعه محتوا و تحکیم اسناد آن پرداخته است. در فهرس و آثار پژوهشگران معاصر، برخی مکتوبات در زمره تکمله‌های نهج‌البلاغه قلمداد شده و از آن جمله، آثار کهنی مشتمل بر سخنانی از امیرمؤمنان علیه السلام است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری مدارک و اسناد کتابخانه‌ای، به ارزیابی و تحلیل پنج اثر کهن: «التذیل علی نهج البلاغه»، «قلائد الحکم و فرائد الکلم من کلام امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام»، «ملحق نهج البلاغه»، «تاریخ الشهور و الدهور» و «النهج القویم فی کلم امیرالمؤمنین علیه السلام» می‌پردازد و صحت انتساب این ادعا را بررسی می‌کند. بررسی اطلاعات موجود از محتوای آنها و دلایل مطرح شده و تطبیق شاخص‌های تکمیل و استدراک، نشان می‌دهد صرف نظر از ابهامات و اشتباهاتی در توصیف این آثار که از اغلب آنها نسخه‌ای در دست نیست، دلایل قانع‌کننده‌ای بر این مدعا وجود ندارد و به عکس، شواهد دال بر آن است که هیچ کدام را نمی‌توان تکمله نهج‌البلاغه به حساب آورد.

واژگان کلیدی: مستدرکات نهج‌البلاغه، تکمله، قلائد الحکم و فرائد الکلم، التذیل علی نهج‌البلاغه، ملحق نهج‌البلاغه، تاریخ الشهور و الدهور، النهج القویم.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳.

** کارشناس ارشد علوم حدیث، گرایش نهج‌البلاغه. دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران، «نویسنده مسئول»؛
(na.dastparvari@gmail.com).

*** دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران؛ (mk.tabatabaei@gmail.com).

مقدمه

کتاب «نهج البلاغه» اثری ارزشمند از معارف دینی، مضامین حدیثی و جلوه‌های ادبی در کلمات امیرمؤمنان علی علیه السلام است که سید رضی، فقیه، متکلم، مفسر، ادیب، شاعر و زبان‌شناس در سال ۴۰۰ هـ.ق گزینش و تدوین کرده است. اشتیاق دانشمندان و علاقمندان دین و علم و ادب، به بیانات امام علی علیه السلام و جایگاه ادبی و معارفی نهج البلاغه موجب شده در تمدن اسلامی پس از قرآن کریم، بیشترین تألیف درباره نهج البلاغه تدوین و تألیف شود. گستره اهتمام به آن، تنها مختص مسلمانان نیست، بلکه مستشرقان نیز مجذوب این اثر بوده‌اند.

تکمله‌ها و مستدرکات نهج البلاغه از جمله آثار تألیفی درباره نهج البلاغه است که در صدد تکمیل متنی خطب، نامه‌ها و حکمت‌ها و یا توثیق اسناد محتوای برآمدند. محققان برخی از آثار را با تساهل در فهرست تکمله‌های نهج البلاغه آورده‌اند، در حالی که انتساب هر کدام دارای ایراداتی بوده و این ادعا مخدوش است. تحقیق حاضر پس از تبیین ابعاد موضوع، تکمله‌های نهج البلاغه ادعایی را شناسایی کرده و به تبیین صحت انتساب این آثار به تکمله‌های نهج البلاغه، پرداخته است.

تحقیق بنیادی حاضر با عنوان «تکمله‌های ادعایی نهج البلاغه» با روش تحلیل محتوایی موردکارانه^۱ کوشیده است تا پس از شناسایی آثار و بررسی ارتباط آنها با موضوع تحقیق، صحت انتساب آثاری که در منابع، به‌عنوان تکمله نهج البلاغه فهرست شده و در هیچ یک از منابع کهن و متأخر اطلاع دقیقی از محتوای این آثار به‌دست نیامده، یا اینکه با توجه به محتوای به‌دست آمده، تکمله نهج البلاغه بودن آنها مورد شک و شبهه است، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. برخی از آثار که به‌عنوان تکمله بر نهج البلاغه شهرت پیدا کرده، در دسترس نبوده و فقط در منابع گوناگون نام آنها در فهرست تکمله‌های نهج البلاغه ذکر شده است، لذا از محتوای آنها اطلاع دقیقی نداشته و به تکمله بودن آنها اطمینان نیست؛ مانند: کتاب «تذییل نهج البلاغه»،^۲ «تاریخ الشهور و الدهور»،^۳

۱. کتابخانه‌هایی که به صورت میدانی مورد استفاده قرار گرفته شده به صورت الفبایی بعد از منابع پایان نامه نگاشته می‌شود.

۲. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۲۲۵.

۳. نقض، ص ۷۶.

«نهج‌القویم فی کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام». ^۱ برخی به دلیل عدم تطابق محتوا با ویژگی‌های تکمله، این ادعا در مورد آن‌ها مخدوش بوده است. مانند: «قلائد الحکم و فرائد الکلم من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام»، ^۲ «ملحق نهج‌البلاغه». ^۳

لذا در این پژوهش به بررسی این آثار و صحت و سقم این ادعا از جانب علما و پژوهشگران می‌پردازیم. در این راستا، انتساب به مؤلف، محتوای اثر و هدف نویسنده در این آثار مورد کاوش قرار گرفته تا با اطلاع از محتوای آنها بتوان تکمله نهج‌البلاغه بودن آنها را ثابت کرد. این آثار بر اساس تاریخ وفات مؤلف، ترتیب و تنظیم شده‌اند و در هر کدام، پس از توصیف کتاب‌شناختی اثر، به تحلیل و ارزیابی ماهیت کتاب به‌عنوان تکمله و استدراک نهج‌البلاغه پرداخته است.

امید است تا این پژوهش موجب توسعه مرزهای دانش و هدایت و تسهیل جریان علم گشته و در راستای شناخت محتوا و تمییز آثار خطی و کهن در زمینه نهج‌البلاغه محققان را یاری رساند.

الف. مفهوم مستدرک و تکمله

«مستدرک» واژه‌ای عربی و اسم مفعول باب استفعال، از ریشه «دَرَک» به معنای الحاق چیزی به چیز دیگر و رسیدن به آن است. ^۴ معنای لغوی «استدراک» چیزی قابل دریافت^۵ و «استدراک مافات» به معنای «اراده و تدارک کردن مافات» آمده است. ^۶ اصطلاح «استدراک» در علوم، بر وضعیت دوجیز اطلاق می‌شود که یکی از دو چیز، موجب عدم نیاز به دیگری شود، و این ویژگی شاید بر یکی اطلاق شود. ^۷

«تکمله» از ریشه «کمل» در باب تفعّل و به معنای کامل کردن یا زیاتر کردن چیزی آمده است. ^۸

۱. الذّریعة إلى تصانیف الشّیعه، ج ۲۴، ص ۴۲۳؛ طبقات أعلام الشّیعه، ج ۸، ص ۲۰۱؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲. معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت علیهم‌السلام، ج ۶، ص ۲۵۸.

۳. تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷.

۴. معجم المقاییس اللّغة، ج ۲، ص ۲۶۹.

۵. العین، ج ۵، ص ۳۲۸.

۶. مصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۰۲.

۷. کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۱۵۰.

۸. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۵۹۸.

از نگاه «کتاب‌شناسی»، مستدرک و تکمله به کتابی اطلاق می‌شود که به هدف تکمیل و متمیم کتابی خاص و با حفظ اشتراک در موضوع، روش و نوع اطلاعات، آنچه را مؤلف کتاب فروگذار کرده یا به آن منابع دسترسی نداشته بیفزاید.^۱ اما بسیاری از مؤلفان مستدرکات، همان معنای لغوی - یعنی «استدراک مافات» - را اراده کرده‌اند.^۲

مستدرکات و تکمله‌ها از لحاظ محل نگارش، به مستدرک ضمیمه‌ای (همراه کتاب)، مستدرک تعلیقه‌ای (در پاورقی یا حاشیه اثر) و مستدرک مستقل تقسیم می‌شود و ممکن است توسط خود مؤلف یا شخص دیگری، نگاشته شود.^۳

البته مستدرک و تکمله در هر رشته حسب موضوع آن، تعریف تخصصی نیز دارند؛ برای نمونه در علم الحدیث و دانش درایه، هرگاه در اثری تعدادی از احادیث، ضبط نشده و به اصطلاح از محدث فوت شده باشد، اثر جدید با جمع‌آوری روایات تکمیلی به تألیف مستدرک منتج خواهد شد.^۴

برخی از مؤلفان در سده‌های پیشین، تکمله‌ها و مستدرکات را «ملحق» نامیده‌اند؛ مانند «ملحقات احقاق الحق»، اثر آیت‌الله العظمی شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته‌الله که تکمیل موسوعه «احقاق الحق» در احادیث امامت، اثر علامه قاضی نورالله شوشتری رحمته‌الله است. در عصر ما از واژه «تمام» نیز^۵ استفاده شده است (مانند تمام نهج البلاغه).

هر چند برخی «تذییل» را هم در معنای «مستدرک» به حساب آورده‌اند، اما درست آن است که هر نوع افزودنی - حتی از نوع شرح و تعلیق - می‌تواند «تذییل» نامیده شود^۶ و لزوماً به معنای استدراک و تکمیل یک اثر نیست و لذا رابطه آنها عموم و خصوص مطلق به حساب می‌آید.^۷ اما حتی همین مقدار هم محل تردید است و ممکن است به علت اشتباه در تلقی «تذییل نهج البلاغه» به عنوان مستدرکی بر آن، تصور شده که تذییل به معنای مستدرک هم آمده است. در ادامه خواهیم

۱. «مستدرکات نهج البلاغه»، صدرایی خویی، ج ۱۲، ص ۱۵۱.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۵۱.

۳. «مستدرک نگاری؛ گونه‌شناسی نمونه‌های برتر مستدرکات حدیثی»، علی راد، ص ۴۴.

۴. همان، علی راد، ص ۴۴.

۵. چشمه خورشید، محمد مهدی، ص ۳۷۰.

۶. «اعتبارسنجی و روش‌شناسی اولین مستدرک نهج البلاغه»، محسن قاسم پور؛ مرتضی سلمان نژاد، صفحه ۶۶.

۷. آشنایی بانهج البلاغه، ص ۱۶۷.

دید که این کتاب، مستدرک نهج البلاغه نیست.

ب. تکمله‌های نهج البلاغه و گونه‌های آن

نخستین تکمله‌نویس، خود سید رضی مؤلف نهج البلاغه است، کاتب بنابر توصیه سید رضی در انتهای هر سه بخش خطب، نامه‌ها و کلمات قصار، اوراق سفیدی قرارداده بود تا استدراکات را ملحق کند. زیرا سید رضی مصمم بود، روایاتی که پس از اتمام نهج البلاغه به دست آورده و با گزینش و موضوع کتابش هماهنگ است، به آن بیفزاید؛ همان‌گونه که در برخی نسخ مؤلف مشاهده می‌شود.

از آثار مستقلی که مستدرک نهج البلاغه محسوب می‌شوند یا ادعا شده‌اند، بیش از بیست اثر شناسایی شده است.^۱ این کتب با افزودن پیشوندهایی بر نام نهج البلاغه همچون: مستدرک (مانند: نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، محمدباقر محمودی؛ مستدرک نهج البلاغه، هادی کاشف‌الغطاء)، تذیل (مانند: تذیل نهج البلاغه، ابن جلی)، ملحق (مانند: ملحق نهج البلاغه، ابن ناقه)، تمام (مانند: تمام نهج البلاغه، سید صادق موسوی شیرازی)، استناد (مانند: استناد نهج البلاغه، امتیاز علیخان عرشی)، مصادر و اسانید (مانند: مصادر نهج البلاغه و اسانیده، عبدالزهره حسینی خطیب و... نگاشته و عرضه شده‌اند.

بخشی از تکمله‌های نهج البلاغه در طی فرایند نگارش شروح اتفاق افتاده است؛ شروحي مانند: شرح ابن ابی‌الحدید، شرح منهاج البراعة و بهج الصباغة از آن جمله هستند.

از آنجا که سید رضی برای رعایت زیبایی و اختصار و با منابع فراوانی که در دسترس ایشان و دیگران بوده، نیازی به ذکر اسناد خطب، رسائل و کلمات قصار نداشته، همه آنها را بدون ذکر سند آورده است و همین دست‌مایه بهانه‌جویان معدود شده تا نسبت به اصالت آن، ابراز تردید کنند. بنابراین بخشی از نگاشته‌های معطوف به تکمیل نهج البلاغه، به هدف رفع شبهات درباره اصالت نهج البلاغه و محتوای آن تألیف و تدوین شده است. این نگاشته‌ها با شناسایی، تخریج و تتمیم مصادر خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار نهج البلاغه از میان منابع حدیثی کهن، معتبر (و البته مستقل از نهج البلاغه) و تخریج و تبیین اسانید متعدد روایات آن، تلاش کردند در مقابل برخی تشکیک‌ها،

۱ بنگرید به: پایان‌نامه کارشناسی ارشد: نفیسه دست‌پروری، ۱۳۹۹ش.

انتقان آن را به نمایش بگذارند و اهل انصاف را به صدور آن از سرچشمه علوی مطمئن سازند. از جمله تکمله‌های سندی می‌توان «مدارك نهج البلاغة و دفع الشبهات عنه» (شیخ‌هادی کاشف‌الغطاء)، «استناد نهج البلاغة» (امتیاز علی‌خان عرشی هندی رامفوری)، «مصادر نهج البلاغة و أسانیده» (سید عبدالزهره الحسینی الخطیب) و «مسند نهج البلاغة» (سید محمدحسین حسینی جلالی) را ذکر کرد.

بخش دیگری از تکمله‌های نهج البلاغة، در صدد تکمیل خطب و نامه‌ها و کلمات قصار این اثر بر مبنای کتب روایی و تاریخی و نسخه‌های کهن نویافته برآمده‌اند، و با عرضه کامل متن احادیث مندرج در نهج البلاغة، شرح و تفسیر بیانات امیرمؤمنان علیه‌السلام را آسان‌تر و دقیق‌تر ساخته‌اند و فایده این کتاب ارزشمند را متمیم کرده‌اند. مستدرک نهج البلاغة (هادی کاشف‌الغطاء)، مصباح البلاغة فی مشکوة الصیافة (سید محمدحسن طباطبائی میرجهانی) و نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة (محمد باقر محمودی) از انواع تکمله‌های متنی شمرده می‌شوند.

اما اغلب تکمله‌های نهج البلاغة، حاوی هر دو قسم تکمیل متنی و اسنادی است و مؤلفان آنها تلاش کرده‌اند تا تکمیل و توسعه نهج البلاغة در جامع‌ترین شکل مقدور، صورت پذیرد اما وجه غالب آن استدراک متنی و یا سندی است؛ مانند: «مستدرک نهج البلاغة» و «نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة».

ج. شاخص‌های استدراک و تکمیل نهج البلاغة

جهت تشخیص و تمیز آثار مستدرک و تکمله نهج البلاغة، بایستی دو شاخص استدراک - یعنی: پایبندی به اهداف نویسنده (سید رضی)، و رعایت ساختار کتاب (نهج البلاغة) - در آثار شناسایی شده، تطبیق و ارزیابی شود.

۱. پایبندی به اهداف نویسنده (سید رضی)

با توجه به معنای مستدرک، تطابق هدف مؤلف اثر ابتدایی با هدف اثر جدید نگارشی، از شاخصه‌های اصلی مستدرک است. ابتدا باید هدف گردآورنده نهج البلاغة معین شود تا بفهمیم طبق هدف وی، چه مطالبی در آن موضوع بوده، ولی او بدانها نپرداخته، دسترسی نداشته یا مورد غفلت

وی قرار گرفته است.^۱

۱/۱. نمایاندن بلاغت علوی

روشن است که سید رضی درصدد جمع‌آوری جملات بلیغ سخنان امام علیه السلام به‌عنوان اسوه فصاحت، و بیانگر مضامین اعجاز‌آمیز وحیانی و نبوی، بوده و به همین جهت کتاب را «نهج البلاغه» نامیده است.^۲ لذا اغلب مضامین گزینش و تدوین شده در سه بخش نهج البلاغه (به‌ویژه در بخش خطب و رسائل)، برشی از یک حدیث علوی است (نه متن کامل) و سید رضی بر اساس معیارهای محتوایی و ادبی، بخش فاخرتر و بلیغ‌تر را انتخاب و ارائه کرده است. از این رو تکمله نهج البلاغه باید شاخص ادبی و بلاغی این اثر را نیز حفظ کند.

۱/۲. ارائه محتوای جامع

هدف دیگر تدوین‌گر نهج البلاغه، نشان دادن علم و خرد و فضایل جامع امیرمؤمنان علیه السلام بوده است.^۳ انتخاب در ترکیب مضامین مختلف و تنوع در محتوای نهج البلاغه (خدانشناسی، فنون، موعظه‌ها، آداب) نشان از توجه تدوین‌گر نهج البلاغه به فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و تلاش در بهره‌بری مخاطب از شخصیت جامع و کامل امام علیه السلام دارد.^۴ تطابق محتوای اثر ثانویه با اثر ابتدایی در تنوع مضامین و جامعیت موضوعات، نکته دیگر مورد توجه در بررسی آثار تکمله گونه نهج البلاغه می‌باشد.

از این رو در پژوهش حاضر پس از شناسایی آثار مشکک، صحت تلقی این آثار به‌عنوان مستدرک و تکمله نهج البلاغه را با روش تحلیل محتوایی موردکارانه (تجزیه و تحلیل جامع و گسترده در موردی ویژه و خاص) بررسی می‌کنیم.

۲. رعایت ساختار کتاب (نهج البلاغه)

تدوین‌گر نهج البلاغه روایات را در سه فصل خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها تقسیم‌بندی نموده

۱. «مستدرکات نهج البلاغه»، ج ۱۲، ص ۱۵۲.

۲. نهج البلاغه، مقدمه، ص ۳۳ و ۳۴.

۳. همان، ص ۳۴.

۴. همان، ص ۳۴.

است. در تدوین مستدرک نهج البلاغه بایستی به ترتیب و موضوعات محتوای هر فصل توجه شده باشد.

در این خصوص اکثر آثار مستدرک نهج البلاغه به غالب آن وفادار بوده‌اند.

د. تحلیل و ارزیابی آثار

در این راستا به تبیین صحت انتساب پنج تکمله نهج البلاغه ادعایی شناسایی شده (کتاب «تذیل نهج البلاغه»، «تاریخ الشهور و الدهور»، «النهج القويم فی کلام امیرالمؤمنین علیه السلام»، «قلائد الحکم و فرائد الکلم من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام»، «ملحق نهج البلاغه») با شاخص‌های استدراک و تکمله‌های نهج البلاغه می‌پردازیم. این آثار بر اساس تاریخ وفات مؤلف، ترتیب و تنظیم شده‌اند و در هر کدام، پس از توصیف کتابشناختی اثر، انتساب به مؤلف، محتوای اثر و هدف نویسنده در این آثار مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس ماهیت کتاب به‌عنوان تکمله و استدراک نهج البلاغه تحلیل و ارزیابی می‌شود.

۱. قلائد الحکم و فرائد الکلم من کلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

مؤلف «قلائد الحکم و فرائد الکلم»، قاضی امام ابو یوسف یعقوب ابن سلیمان اسفرینی (۴۹۸ هـ.ق) ذکر شده است.^۱ وی شاعر، ادیب^۲ و کتابدار کتابخانه نظامیه بغداد بوده است.^۳ نسخه‌ای را (۶۳۵ هـ.ق) از این اثر در ترکیه در کتابخانه فاضل‌پاشا موجود است.^۴

در «عیون الحکم و المواعظ» از قلائد الحکم روایت نقل شده^۵ و می‌توان آن را جزء منابع عیون به حساب آورد. رفاعی و محقق طباطبائی ادعا می‌کند که نسخه‌ای از این اثر متعلق به قرن ششم، در

۱. معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت صلوات الله علیهم، ج ۶، ص ۲۵۸؛ کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، ج ۲، ص ۱۳۵۳؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۲۵۲.

۲. معجم الادباء، ارشاد الأریب إلى معرفة الأديب، ج ۲، ص ۱۰۳۲.

۳. معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت صلوات الله علیهم، ج ۶، ص ۲۵۸؛ طبقات الشافعية الكبرى، ج ۵، ص ۳۵۹؛ خریده القصر و جریده العصر: فی ذکر فضلاء اهل اصفهان، ج ۲، ص ۷۹.

۴. کوپریلی ترکیه: فاضل احمد پاشا، ش ۱۳۵۳.

۵. «ابن الشرفیه و کتاب عیون الحکم و المواعظ»، حسن انصاری قمی، ص ۱۲ - ۱۵. «فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه»، ج ۵، ص ۱۰۳؛ عیون الحکم و المواعظ، مقدمه.

مدرسه مروی تهران موجود است؛^۱ با فحص صورت گرفته عدم صحت این نکته ثابت شد.

قلائد الحکم با تحقیق علی کاظم خضیرحویمدی کربلائی (۱۳۹۴ هـ. ش)، قم در انتشارات علامه مجلسی و توسط دارالتراث نجف (۱۴۳۷ هـ. ق) به چاپ رسید. ترجمه این کتاب به فارسی، با تلاش علی کلاتی صورت گرفته که به همراه متن تحقیق شده کتاب، (۱۳۹۷ هـ. ش) توسط ارمغان طوبی منتشر شده است.

تحلیل و ارزیابی

در این اثر بعضی از کلمات امام علی علیه السلام که در نهج البلاغه نیست، گردآوری شده و شامل برخی کلمات، اشعار و ادعیه حضرت امیر علیه السلام است. با توجه به محتوا و نام کتاب، به نظر می‌رسد مؤلف در صدد جمع‌آوری تکمیل نهج البلاغه با دیگر احادیث و بیانات امام به صورت عام بوده است، نه تممیم و تکمیل متن خطبه‌ها، نامه‌ها و کلماتی که در نهج البلاغه آمده است. البته صدراپی خوبی به درستی نام این کتاب را در زمره مستدرکات نهج البلاغه نیاورده است.^۲

محقق طباطبایی این اثر را در مقاله «نسخه‌های نهج البلاغه» در آثار خطی مرتبط با نهج البلاغه فهرست کرده است.^۳ همچنین حسن انصاری در یادداشتی این اثر را تزییلی بر نهج البلاغه دانسته است.^۴

۲. التذیل علی نهج البلاغه

این اثر منتسب به ابوالفتح عبدالله بن اسماعیل جلی (قرن ۵) است. وی نزد علمای علم رجال مورد وثوق و مشهور به «ابن جلی» است. وی از بزرگان خاندان جلی حلب (به تشدید لام یا بدون تشدید) به شمار می‌رود. برخی نام وی را «الحلبی» و گروهی «جلی حلبی» معرفی می‌کنند.^۵ جز نقل

۱. معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت صلوات الله عليهم، ج ۶، ص ۲۵۸.

۲. «مستدرکات نهج البلاغه»، صدراپی خوبی، ج ۱۲، ص ۱۴۹-۱۶۲.

۳. «المبتقی من مخطوطات نهج البلاغه»، سید عبدالعزیز طباطبایی، ص ۵۱.

۴. «تزییلی بر نهج البلاغه» حسن انصاری قمی، بررسی‌های تاریخی، <http://ansari.kateban.com>.

۵. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳۶، ص ۱۸۲؛ معجم الشیوخ، ج ۲، ص ۷۲۰؛ أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۵۰. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲۸، ص ۲۲۹؛ معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت صلوات الله عليهم، ج ۵، ص ۳۱۴.

ابن‌ابی‌الحدید در هیچ کتاب دیگری از این تذییل نامی نیست و در فهرست نسخه‌های خطی نیز نامی از تذییل نهج‌البلاغه برده نشده است.^۱ ابن‌ابی‌الحدید (م ۶۵۶ هـ ق) در شرح نهج‌البلاغه، یکی از کلمات قصار امیرالمؤمنین ع را ذیل خبر ضرار بن ضمیره از این اثر ذکر کرده و سپس افزوده است: «... و تمام الکلام مذکور فی کتاب».^۲ اما وی توضیحی درباره تکمله یا شرح بودن آن، نداده است.^۳

تحلیل و ارزیابی

حسینی خطیب در فهرست مستدرکات نهج‌البلاغه این اثر را با نام «تذییل» آورده است.^۴ همچنین صدرایی خویی در مقاله «مستدرکات نهج‌البلاغه» در دانشنامه امام علی ع، این اثر را ذیل عنوان تکمله‌های ناشناخته، تکمله نهج‌البلاغه دانسته است.^۵ ظاهراً نام «تذییل نهج‌البلاغه» محقق طباطبایی و دیگر نویسندگان را دچار خطا کرده و این اثر را جزء تکمله‌های نهج‌البلاغه قلمداد کرده‌اند. اما با توجه به اینکه جز یک حدیث، از محتویات دیگر این اثر اطلاعی در دسترس نیست، نمی‌توان به تکمله نهج‌البلاغه بودن آن اطمینان داشت. زیرا همان‌گونه که در ابتدای بحث گفته شد هر گونه شرح و تعلیقی بر اثر را می‌توان «تذییل» نامید. ولی صرفاً نقل یک حدیث از امام (ع) شاهد بر این نیست که کتاب تکمله نهج‌البلاغه باشد. و در واقع تنها روایتی که از محتوای این کتاب داریم نقلی از ابن‌ابی‌الحدید است.

۳. ملحق نهج‌البلاغه

این اثر را منسوب به ابوالعباس احمد بن یحیی بن احمد بن زید بن ناچه مسلوی کوفی (م ۵۵۹/۵۵۷ هـ ق)^۶ فقیه حنفی مذهب و متبحر در نحو دانسته‌اند.^۱ وی مشهور به «ابن ناچه»، محدث

۱. «مستدرکات نهج‌البلاغه». صدرایی خویی، ج ۱۲، ص ۱۵۵؛ رک: «المبتقی من مخطوطات نهج‌البلاغه»، سید عبدالعزیز طباطبایی، ص ۵۱.
 ۲. شرح نهج‌البلاغه. ج ۱۸، ص ۲۲۵.
 ۳. العذیق النضید بمصادر ابن‌ابی‌الحدید فی شرح نهج‌البلاغه، ص ۱۶۷.
 ۴. مصادر نهج‌البلاغه و أسانیده، ج ۱، ص ۲۸۶.
 ۵. «مستدرکات نهج‌البلاغه». صدرایی خویی، ج ۱۲، ص ۱۵۵.
 ۶. تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر والأعلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷؛ الطبقات السنیه فی تراجم الحنفیه، ج ۱، ص ۱۵۷ و ۲۹۱؛ معجم اعلام الشیعه، ص ۷۸؛ رک: معجم الادباء، ارشادالاریب الی معرفه الادیب و تاج العروس من جواهر

برجسته قرن ششم کوفه است. برخی وی را «المسکی»^۲ یا «ابن ناقد المسکی» نامیده‌اند.^۳ اما در اکثر تراجم کهن، ابن ناچه مسلای کوفی نامیده‌اند.^۴

این تذییل اوراقی است ملحق به نهج البلاغه، که کاتب نسخه نهج البلاغه خطبه‌هایی از امام علی علیه السلام به نقل از احمد بن یحیی بن ناچه بر نهج البلاغه افزوده است. این ملحق، شامل مجموعه‌ای از احادیث علوی است که در نهج البلاغه وجود ندارد^۵ که عبارت‌اند از:

الف) چهار خطبه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

- «الدرة یتیمه»: فاقد سند و منبع
- «الموثقة»: همراه سند (خطبه‌ای بدون حرف الف)
- «الأقالیم»: با سند از اصبع بن نباته
- «البیان»: بدون سند.^۶

ب) وصیت‌هایی از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام.

ج) اخباری درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که از زبان دیگران نقل می‌شود.

د) ادعیه‌هایی از امام علی علیه السلام.

قدیمی‌ترین نسخه یافت شده از ملحق نهج البلاغه به خط «جعفر بن محمد بن سوید» در «۶۴۱ هـ. ق» کتابت شده است.^۷ جعفر بن محمد بن سوید با ۲۶۰ ورق کتاب را به پایان رسانده است.

القاموس.

۱. کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ص ۲۸۴.
۲. بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، ج ۱، ص ۳۹۵.
۳. الوافی بالوفیات، ج ۸، ص ۳.
۴. کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، ص ۲۸۴.
۵. مصادر نهج البلاغة وأسانیده، ج ۱، ص ۲۸۶.
۶. الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۸، ص ۱۱۵؛ ج ۷، ص ۱۹۸ و ۱۹۹.
۷. «فی رحاب نهج البلاغة»، سید عبد العزیز طباطبایی، ص ۷-۸۸. موزه بریتانیا. شماره ۹۰۵۷OR.

در ادامه نهج البلاغه خطبة الدرّة الیتیمه و جلد دوم با خطبه همام آغاز می‌شود. این نسخه در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.^۱ نسخه بعدی «۶۴۷ هـ.ق» کاتب آن ناشناس است. ۱۷ سطر در هر صفحه به خط نسخ در ۲۴۴ ورق کتابت شده است. ملحقات آن از صفحه ۲۴۳ - ۲۳۸ تشکیل شده است و در کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله‌علیه نگه‌داری می‌شود.^۲

نسخه‌ای از این اثر در سال «۷۲۹ هـ.ق»^۳ با خط نسخ «محمد بن محمد بن محمد بن حسن ابن طویل صفار حلبی / حلبی»، دارای ۱۶۱ ورق و در هر صفحه ۲۳ سطر، که ملحقی از صفحه ۱۳۵ - ۱۶۱ می‌باشد و این نهج البلاغه و التذییل همراه، در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.^۴ حسینی خطیب آخرین نسخه دریافت شده را این نسخه می‌داند و تألیف آن را به پیش از این تاریخ منتسب می‌کند.^۵ در حالی که نسخه کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله‌علیه قدیمی‌تر و تاریخ کتابت آن (۶۴۷ هـ. ق) است. در فهرست فنخا تنها این نسخه ذکر شده و نامی از نسخه‌های دیگر برده نشده است.^۶

نسخه‌ای دیگر در کتابخانه مجلس «۱۰۸۶ هـ.ق» به خط نسخ، شامل ۳۴۴ ورق، در هر صفحه ۱۷ سطر، ملحقات آن از صفحه ۲۷۹ - ۳۴۴ می‌باشد. ۷ کاتب نهج البلاغه «محمد باقر بن ابی فتوح حسینی موسوی شهرستانی» است. به دلیل یکی بودن خط، ملحقی نیز به همان کاتب منسوب است. تاریخ کتابت ملحقی تصریح نشده است.^۸

این اثر ابتدا با تصحیح اسعد طیب، «ملحقات نسخه من نهج البلاغه و جزء ابن ناقة» در میراث

۱. «فی رحاب نهج البلاغه»، سید عبد‌العزیز طباطبایی، ص ۷-۸۸. موزه بریتانیا. شماره ۹۰۵۷OR.
۲. کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی، قم، شماره ۱۵۷.
۳. استاد حافظیان از روی سهو، تاریخ کتابت این نسخه از اثر ۷۲۹ ق را تاریخ گردآوری اصل اثر توسط مؤلف گمان برده اند؛ با اینکه نسخه دیگری از این اثر که در شماره یک معرفی شد، پیشتر از نسخه آستان قدس است و به تاریخ ۶۴۷ ق کتابت شده است. نگ: «نهج البلاغه» ابوالفضل حافظیان بابل، ص ۹-۹۲.
۴. کتابخانه آستان قدس رضوی، مشهد، شماره نسخه: ۱۸۶۰ ض «خط: نسخ، کا: محمد صفار، تا: ۷۲۹ هـ. ق الفبائی: ۵۹۳».
۵. مصادر نهج البلاغه و آسانیده، ج ۱، ص ۲۸۷.
۶. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۳۱- ص ۴۲۱.
۷. کتابخانه مجلس (سنا) شورای اسلامی، شماره ۷۲۳۳.
۸. ملحقی نهج البلاغه، ص ۲۶.

حدیث شیعه شماره ۱۴ (۱۳۸۰ ه. ش) به چاپ رسید.^۱ (۱۳۹۲ ه. ش) اثر با کوشش محمد جعفر اسلامی و با نام «ملحق نهج البلاغه» تحت نظارت قیس بهجت العطار توسط کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شد. این اثر (ملحق نهج البلاغه) توسط سوسن عباسیان دکتری زبان و ادبیات (۱۳۹۴ ه. ش) به زبان فارسی ترجمه و زیر نظر انتشارات سنا به چاپ رسید.

اسلامی سه نسخه خطی «نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی»، «نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی» و «نسخه کتابخانه آیت الله العظمی بروجردی» را بررسی کرده که هر سه در ایران موجود است. محقق با تطبیق نسخ نام برده اختلاف و افتادگیها را معین نموده است. اسلامی در این تحقیق، از ۷۳ منبع بهره برده است.

در تصحیح ملحق توسط جعفر اسلامی، آخرین نسخه‌ای که در تحقیق مورد بهره قرار گرفته، نسخه سال «۶۴۷ ه. ق» بوده است. بعد از چاپ کتاب نسخه قدیمی‌تر «۶۴۱ ق» توسط محقق محترم (اسلامی) یافته شده و به نویسنده این تحقیق اطلاع داده شد.

محققین به تصحیفات یا نسخی که در ملحق ابن ناچه اشاره کرده‌اند؛ از جمله تصحیفی که به اعتقاد خامه یار در سند «خطبة الأقالیم» رخ داده است.^۲

تحلیل و ارزیابی

نام «ملحق نهج البلاغه»^۳ به ادعای حسینی خطیب^۴ و صدرایی خوبی در فهرست مستدرکات آورده شده است،^۵ در حالی که دلیلی بر صحت ادعای محققین پیشین یافت نشد. زیرا با توجه به ویژگی‌های تکمله، برخی از محتویات اثر (که شامل وصیتهایی از پیامبر ﷺ به امام و اخباری در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام است)، اینکه اوراق به هدف تکمله نهج البلاغه نگاشته شده باشد با تردید جدی همراه است. شاید با اغماض بتوان آن را تذییل دانست.

احتمال نخستی که به نظر می‌رسد آن است که ابن ناچه فقط چند خطبه از امیرالمؤمنین را در

۱. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فتخا)، ج ۱ زش.

۲. «ملحقات نسخه من نهج البلاغه و جزء ابن ناچه»، اسعد طیب، ص ۱۵-۱۱۴.

۳. در سده‌های پیشین لفظ ملحق به معنای مستدرک یا تکمله اراده می‌شده است.

۴. مصادر نهج البلاغه و أسانیده، ج ۱، ص ۲۸۶.

۵. «مستدرکات نهج البلاغه». صدرایی خوبی، ج ۱۲، ص ۱۴۹-۱۶۲.

کنار سایر مرویات خاص دیگر ثبت کرده باشد و کاتبان نسخ آن، بعدها نام ملحق نهج البلاغه را بر آن نهاده باشند زیرا به نظر آنها، محتوای این روایات به خصوص خطب امیالمؤمنین در وزن محتوایی و بلاغی نهج البلاغه بوده است.

احتمال دوم آن است که با نظر به اضافه کردن چهار خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام به نهج البلاغه شاید کاتب (مجهول) اثر در تلاش بوده تا تکمله نهج البلاغه را تدوین کند ولی در ادامه از آن عدول کرده و دیگر روایات نقل شده توسط ابن ناقه (که از لحاظ محتوا با نهج البلاغه متفاوت است) را نیز بدان افزوده است. که البته با توجه به اینکه خطبه‌ها پشت سر هم و در ابتدای اثر نیست این احتمال بسیار بعید می‌نماید.

۴. تاریخ الشهور و الدهور

مؤلف اثر ناشناخته و مجهول است. آگاهی ما از این کتاب، از طریق اثر عبدالجلیل قزوینی رازی با عنوان «بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض» مشهور به «نقض» است.^۱

از مؤلف و کتاب تاریخ الشهور و الدهور، در کتاب‌شناسی‌ها هیچ اثری به چشم نمی‌خورد، اما با توجه به تاریخ تألیف «نقض» توسط عبدالجلیل، می‌توانیم مؤلف این کتاب، را از دانشمندان سده ششم قمری و پیش از آن محسوب کنیم.

عبدالجلیل قزوینی رازی «تاریخ الشهور و الدهور» را کتابی جامع از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام دانسته و می‌گوید: «کلمه ای از کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام از آنجا فائت و ساقط نیست».^۲ با توجه به اینکه وی در قرن ششم می‌زیسته، این اثر متعلق به سده ششم یا پیش از آن است.

تحلیل و ارزیابی

به ادعای رازی کتاب تاریخ الشهور و الدهور حاوی همه سخنان امام علیه السلام است و هیچ کلامی از سخنان حضرت از آن فوت نشده، اما بعید است کتابی (تاریخ الشهور و الدهور) با این حجم از احادیث و روایات که حاوی تمام سخنان امام علی علیه السلام بوده باشد ولی اثری از کتاب و مؤلف آن در هیچ یک

۱. نقض، ص ۱۰۷.

۲. نقض، ص ۱۰۷.

از کتاب‌شناسی‌ها نباشد، شاید بتوان گفت رازی در مقام مجادله، سخنی احساسی و بدون پایه علمی بیان کرده است.

به فرض صحت کلام رازی، اثر در تدارک جمع‌آوری سخنان امام علیه السلام بوده است و سندی دال بر مستدرک/تکمله نهج البلاغه بودن آن نیست.

با توجه به نام «تاریخ الشهور و الدهور» بسیار بعید به نظر می‌رسد که کتاب پیرامون نهج البلاغه نگاشته شده باشد، شاید بتوان محتوای اثر را تاریخی تصور کرد.

به زعم صدرایی‌خویی شاید ذکر این کتاب در فهرست مستدرکات نهج البلاغه، به یافتن نشان و محتوای آن در تحقیقات دیگر منتج شود.^۱

۵. النهج القويم في كلام امير المؤمنين عليه السلام

مؤلف اثر، خلف بن عبدالمطلب بن محمد (ملقب به مهدی بن فلاح مشعشی حویزی) (م ۱۰۷۴ هـ.ق)^۲ از محدثین و علمای قرن یازدهم است. ایشان از دانشمندان معاصر با میرزا محمد استرآبادی و شیخ بهایی به شمار می‌رود.^۳ در منابع برخی کتاب را «النهج القويم المبين في كلمات أمير المؤمنين عليه السلام و غیر ذلك» نامیده‌اند.^۴ نام اثر از ریاض العلماء، کهن‌ترین منبع برگزیده شد. تا کنون هیچ نسخه‌ای از این اثر شناسایی نشده و از محتویات آن اطلاع دقیقی در دست نیست.

تحلیل و ارزیابی

به اعتقاد افندی، مشعشی سخنانی از امام علی عليه السلام که در نهج البلاغه نبوده را گردآوری کرده و «النهج القويم» قطعاً مستدرک نهج البلاغه است که نویسنده موفق به اتمام آن نشده است.^۵ آقا

۱. «مستدرکات نهج البلاغه». صدرایی‌خویی، ج ۱۲، ص ۱۴۹-۱۶۲.

۲. طبقات اعلام الشيعة، ج ۸، ص ۲۰۱؛ ریاض العلماء و حياض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۴۴؛ اعيان الشيع، ج ۶، ص ۳۳۳.

۳. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۲۴، ص ۴۲۳، ریحانة الأدب فی تراجم المعروفين بالكنية او اللقب، ج ۲، ص ۸۸.

۴. معجم ما كتب عن الرسول و أهل البيت صلوات الله عليهم، ج ۶، ص ۴۷۵؛ ریحانة الأدب ۲ / ۸۸. ایضاح المکنون فی الذیل علی الكشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون ۶۹، ۲؛ بغدادی در ایضاح غیر ذلک را نیاورده است.

۵. ریاض العلماء و حياض الفضلاء، ج ۲، ص ۲۴۴؛ الذريعة إلى تصانيف الشيعة، ج ۲۴، ص ۴۲۳؛ طبقات اعلام الشيعة، ج ۸، ص ۲۰۱. آقا بزرگ در الذريعة از ریاض العلماء نقل کرده است.

بزرگ^۱، حسینی خطیب^۲ و علامه امینی نیز تصریح به مستدرک نهج البلاغه بودن کتاب دارند.^۳ صدرایی خوبی نیز این اثر را در شمار مستدرکات شمرده است.^۴ اما هیچ یک مدرکی دال بر این ادعا بیان نکرده‌اند. این احتمال می‌رود که افندی به نسخه‌ای از کتاب دسترسی داشته، که با این قطعیت درباره آن سخن رانده است.

نام کتاب نیز حتی احتمال اینکه هدف نویسنده تألیف اثری پیرامون نهج البلاغه باشد روشن نمی‌کند همچنین با عبارت «و غیر ذلک» در انتهای نام کتاب در برخی گزارش‌ها، محتمل است که سخنان دیگر معصومین نیز در کتاب موجود باشد، که در این صورت واضح است که نمی‌توانیم آن را مستدرک نهج البلاغه بدانیم.

نکات پایانی

با همه اهمیت نهج البلاغه و تلاش‌های علما و محدثانی که دست به تکمیل مضامین و اسانید این اثر گرانبها زده‌اند و مستدرکات و مصادر و اسانید و متمیم‌های گوناگونی بر آن افزوده‌اند، اما بعید است در سده‌های ابتدایی پس از تدوین نهج البلاغه، جامعه علمی نیاز به تألیف مستدرک را دریافته باشد و به نگارش آن اقدام کرده باشد، زیرا باتوجه به در دسترس بودن و منابع نگارش نهج البلاغه و عدم وجود شبهات پیرامون نهج البلاغه، ضرورت نگارش این نگاشته‌ها غریب به نظر می‌رسد.

با توصیفی که از مستدرک نهج البلاغه داشتیم (شاخصه‌های ادبی و بلاغی - محتوا و مضامینی شامل فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام) اکثر کتابهایی که به‌عنوان مستدرک نهج البلاغه نگاشته شدند، مستدرک محسوب نمی‌شوند. زیرا به وجه بلاغی آن دقت نداشته‌اند. بلکه با تأمین هدف دوم (ذکر فضایل سخنان امام علیه السلام) سید را تدوین محتوایی با موضوعات مختلف همراهی کرده باشند و با تساهل می‌توانیم آن‌ها را «تکمله» بنامیم.

لذا پذیرش هرگونه ادعا در نسبت استدراک و تکمله نهج البلاغه به آثار حدیثی مرتبط با محتوای

۱. طبقات أعلام الشيعة، ج ۸، ص ۲۰۱.

۲. مصادر نهج البلاغة وأسانیده، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳. الغدير في الكتاب و السنة و الادب، ج ۱۱، ص ۳۱۵.

۴. «مستدرکات نهج البلاغه»، صدرایی خوبی، ج ۱۲، ص ۱۴۹-۱۶۲.

نهج البلاغه، بایستی با احتیاط و پس از بررسی دقیق دلایل و شواهد ارائه شده، صورت گیرد.

نگاهی دیگر

با توجه به آثار مفصل تدوین شده پیش از نهج البلاغه، که تلاش در جمع‌آوری سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام داشته‌اند. به نظر می‌رسد تلاش سید رضی در تألیف کتابی مختصر در عین حال جامع، جهت استفاده دو قشر فرهیختگان و عامه بوده است. لذا با شیوه تقطیع و بدون دغدغه‌های مرسوم نگارشی،^۱ با گزینش فقرات فضیلت‌های اعجاب‌انگیز و سخنان حکیمانه آن حضرت، حظ از مطالعه متون بی بدیل عجائب بلاغت، غرائب فصاحت و پیرایه‌های زبان عرب و بهرمندی از محتوای گرانقدر نهج البلاغه را برای همگان ساده و سهل الوصول سازد.

با این نگاه شاید مستدرک نویسی بر نهج البلاغه با هیچ یک از اهداف سید رضی هم‌سو نبوده و حتی متضاد به نظر می‌رسد. زیرا اگر سید رضی در جهت تدوین اثری خلاصه و کم حجم بوده باشد، افزودن بر روایات نهج البلاغه و یا ذکر منابع روایات، با این مهم تناقض داشته، مگر از ابتدا هدف نویسندگان این دسته از آثار را پاسخ‌گویی به شبهات استنادی نهج البلاغه بدانیم.

نتیجه‌گیری

به دلیل جایگاه ویژه نهج البلاغه نزد مسلمانان، آثار فراوانی پیرامون این اثر سترگ به رشته تحریر آمده‌است. از جمله این آثار مستدرکات و تکمله‌هایی هستند که به تکمیل نهج البلاغه پرداخته‌اند. علی‌رغم ادعای پیشینیان بر اینکه برخی آثار کهن مستدرک نهج البلاغه بوده‌اند و ذکر این آثار در فهرست مستدرکات نهج البلاغه، با مفهوم‌شناسی «مستدرک» و «تکمله» و تبیین شاخص‌های آثار استدراک و تکمله نهج البلاغه به بررسی آثار ذکر شده پرداخته شد.

با ارزیابی و تحلیل‌های صورت گرفته، این ادعا در مورد هیچ یک از تکمله‌های کهن یاد شده تأیید نشد. زیرا از میان تکمله‌های کهنی که بر نهج البلاغه نگاشته شده، برخی به دست ما نرسیده و فقط نام آنها در کتابها ذکر شده است، مانند: «تاریخ الشهور و الدهور» و «النهج القويم المبين فی کلمات امیر المؤمنین علیه السلام و غیر ذلک» که نسخه‌ای از آنها در دسترس نیست تا محتوای آنها بررسی شود، نام این دو کتاب نیز حکایت از مستدرک نهج البلاغه ندارد و مخاطب را به اثری پیرامون

۱. اصول و قواعدی که تا پیش از نهج البلاغه در نگارش آثار رعایت می‌شد.

نهج‌البلاغه رهنمون نمی‌کند. نام «تاریخ الشهور و الدهور» اثر را با محتوایی تاریخی به ذهن متبادر می‌کند، تا تکمله‌ای بر نهج‌البلاغه، همچنین نام «النهج القويم المبین فی کلمات أمير المؤمنين عليه السلام و غیر ذلک» نیز که در برخی منابع با کلمه انتهایی (و غیر ذلک) ضبط شده است، این احتمال متبادر می‌شود که روایاتی از دیگر ائمه نیز در اثر گردآوری شده باشد. این نکته با هدف تدوین گر نهج‌البلاغه مغایرت داشته و از این روی در زمره مستدرکات نهج‌البلاغه قرار نمی‌گیرد.

از اثر «تذییل نهج‌البلاغه» که بجز یک نقل از آن، هیچ روایاتی در منابع دیگر نیست و با یک روایت نمی‌توان اثر را بررسی کرده و تکمله نهج‌البلاغه نامید. البته که می‌تواند تذییلی بر نهج‌البلاغه باشد.

تنها از دو اثر دیگر یعنی «ملحق نهج‌البلاغه» و «قلائد الحکم و فرائد الکلم من کلام امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب عليه السلام» نسخه‌های قابل اعتمادی برجای مانده، که هر دو تحقیق شده و به چاپ رسیده است. با تحلیل و بررسی‌های صورت گرفته، به دلیل عدم تطابق محتوای این دو اثر با شاخص‌های مستدرک و تکمله نتوانستیم آن‌ها را در زمره مستدرکات بنامیم. اثر اسفراینی را شاید با اغماض بتوان تذییلی بر نهج‌البلاغه بدانیم. اما «ملحق نهج‌البلاغه» که منسوب به ابن ناقه است و محققین آن را تذییلی بر نهج‌البلاغه دانسته‌اند، محتوای آن به دلیل وجود برخی روایات، متضاد با اهداف سید رضی تشخیص داده شده و به هیچ وجه نمیتوانیم، آن را مستدرک و حتی تذییل بر نهج‌البلاغه بدانیم.

امید است محققان با کاوش‌ها و پژوهش‌هایی دیگر به نسخه‌های جدیدی از این آثار دست یابند، تا به تحلیل‌های جامع و کامل‌تری در آثار پیرامونی نهج‌البلاغه بی‌انجامد.

فهرست منابع

۱. ایضاح المکنون فی الذیل علی الكشف الظنون عن اسامی الكتب والفنون، اسماعیل بغدادی بیروت: دار احیاء التراث العربی. بی.تا.
۲. بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة، جلال الدین سیوطی، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۳۹۹ق.
۳. تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، محمد بن احمد ذهبی، محقق: عمر عبد السلام، تدمری. بیروت: دارالکتب العربی. ۱۴۰۹ق.
۴. تاج العروس من جواهر القاموس، مرتضی حسینی واسطی زبیدی، المطبعة الخیریه، ۱۳۰۷ق.
۵. تاریخ مدینه دمشق، علی بن حسن ابن عساکر، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۶. تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، محقق: محمد رضا، مامقانی ومحی الدین مامقانی. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لأحیاء التراث، ۱۴۳۱ق.
۷. چشمه خورشید، مصطفی دلشاد تهرانی، دریا. ۱۳۹۵ش.
۸. خریده القصر وجریده العصر: فی ذکر فضلاء اهل اصفهان، محمد عمادالدین کاتب، محقق: عدنان محمدآل طعمه. تهران: دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۷ش.
۹. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله بن عیسی بیگ افندی، محقق: احمد حسینی اشکوری؛ اهتمام: محمود مرعشی، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، چ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۰. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، م محمدعلی درس تبریزی، تهران: خیام، ۱۳۶۹ش.
۱۱. شرح نهج البلاغة، عبدالحمید ابن ابی الحدید. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (علیه السلام)، ۱۴۰۴ق - ۱۳۳۷ش.
۱۲. طبقات أعلام الشيعة. محمد محسن منزوی تهرانی (آقا بزرگ)، بیروت: دارالأحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ق.
۱۳. طبقات الشافعية الكبرى، تاج الدین سبکی، هجر، ۱۴۱۳ق.
۱۴. الذريعة إلى تصانيف الشيعة، محمد محسن منزوی تهرانی (آقا بزرگ)، تدوین: احمد بن محمد، حسینی، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ق.
۱۵. العذيق النضيد بمصادر ابن ابی الحدید (م ۶۵۶هـ ق) فی شرح نهج البلاغه، احمد ربیعی، بغداد: عبدالمجید الربیعی. ۱۴۰۷ق.



۱۶. العین، خلیل بن احمد فراهیدی، محقق: مهدی مخزونی و دیگران، قم: دارالهجره، ۱۴۱۰ق.
۱۷. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لیثی واسطی، محقق: حسین، حسنی بیرجندی، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۷۶ش.
۱۸. الغدیر فی الكتاب و السنة و الادب، عبدالحسین امینی، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۵م.
۱۹. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، مصطفی درایتی، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۹۴ش.
۲۰. فهرستگان نسخه‌های خطی حدیث و علوم حدیث شیعه، علی صدرایی خویی، دارالحدیث، ۱۳۸۲ش.
۲۱. فی رحاب نهج البلاغة، سید عبد العزیز طباطبائی، تراثنا (۲۹) ۱۴۱۲ق.
۲۲. کشف الظنون عن أسامی الكتب و الفنون، مصطفی بن عبد الله حاجی خلیفه (کاتب چلبی)، محقق: شهاب‌الدین مرعشی، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۴۱م.
۲۳. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۴ق.
۲۴. مستدرکات نهج البلاغة، علی صدرایی خویی، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲۵. مصادر نهج البلاغة و أسانیده، سید عبد الزهراء حسینی خطیب، دار الزهراء، ۱۴۰۹ق.
۲۶. مصباح المنیر، أحمد بن محمد قیومی مقری، محقق: یوسف محمد، مکتبه العصریه، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۲۷. معجم أعلام الشيعة، سید عبد العزیز طباطبائی، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۱۷ق.
۲۸. معجم الأدباء ارشاد الاریب الی معرفة الادیب، یاقوت حموی، مترجم: عبدالحمید، آبتی، تهران: ۱۳۹۱ش.
۲۹. معجم الشیوخ، علی بن حسن ابن عساکر، محقق: فحام، شاکر و تقی الدین، وفاء، دمشق، دار البشائر، چ اول، ۱۴۲۱ق.
۳۰. معجم ما کتب عن الرسول و أهل البيت صلوات الله علیهم، عبدالجبار رفاعی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۳۱. معجم المقاییس اللغة، ابن فارس، أحمد بن فارس، محقق: هارون، عبد الاسلام محمد، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۳۲. ملحق نهج البلاغه، احمد بن یحیی بن ناقه کوفی، محقق: محمد جعفر، اسلامی؛ قیس، العطار، تهران: کتابخانه موزه و مرکز شورای اسلامی ۱۴۳۴ هـ. ق / ۲۰۱۳ م / ۳۹۲ ش.

۳۳. نقض، عبدالجلیل قزوینی رازی، مصحح: جلال الدین، محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ ش.

۳۴. نهج البلاغه، سید رضی، مصحح: صبحی صالح، بیروت: دار الكتاب اللبنانی، ۱۳۸۷ ق.

۳۵. نهج البلاغه، ابوالفضل حافظیان بابلی، دانشنامه امام علی علیه السلام، ج ۱۲ (مرجع شناسی)، تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۳۶. الوافی بالوفیات، خلیل صفدی، محقق: الارناؤوط، احمد و مصطفی، دارالاحیاء التراث. ۱۴۲۰ ق. ۲۰۰۰ م.

مقالات:

۳۷. «ابن الشرفیه و کتاب عیون الحکم و المواعظ»، حسن انصاری قمی، کتاب ماه دین (۳۵) شهریور ۱۳۷۹ ش.

۳۸. «اعتبارسنجی و روش‌شناسی اولین مستدرک نهج البلاغه»، محسن قاسم پور؛ مرتضی سلمان نژاد، حدیث پژوهی (۱۲). پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.

۳۹. «المتبقی من مخطوطات نهج البلاغه»، سید عبد العزیز طباطبایی، مجله تراثنا، شماره ۵، ۱۴۰۶ ق.

۴۰. «مستدرک نگاری؛ گونه‌شناسی نمونه‌های برتر مستدرکات حدیثی»، علی راد، مشکوه پاییز ۱۳۸۷ ش.

۴۱. «ملحقات نسخه من نهج البلاغه و جزء ابن ناقه»، اسعد طیب، میراث حدیث شیعه، مؤسسه دارالحدیث (۱۴) ۱۳۸۰ ش.